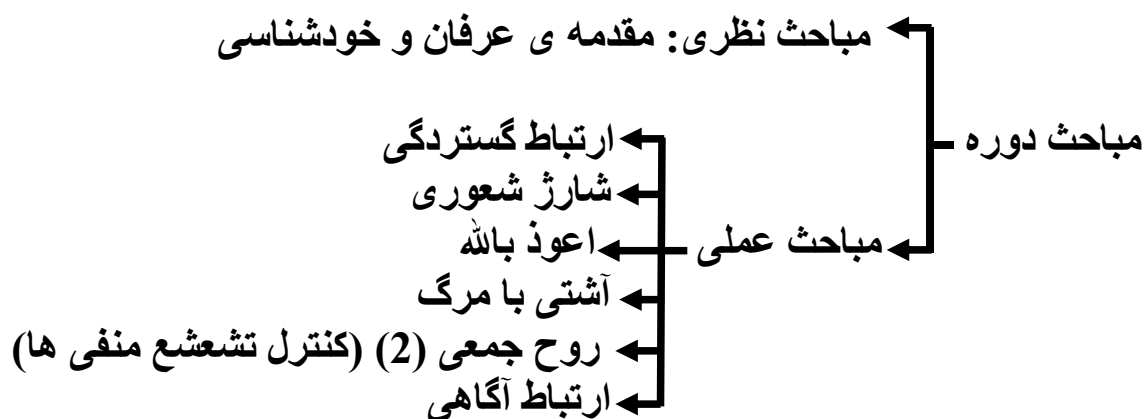


## به نام خدا

جزوه حاضر، شامل آخرین تغییرات دروس دوره هفت عرفان حلقه می باشد که به شکل رایگان به همه همراهان عرفان کیهانی تقدیم می گردد. (نسخه 2.1) (90/6/19) (این شماره نسخه ها به دلیل احتمال اشکالاتی در متن و تصحیح آنها می باشد)

### دوره هفت



### ارتباط گسترده‌گی

از دوره های پیش در عرفان حلقه همواره تاکید بر آن بوده است که در اتصالها، شاهد شدن، خلاف تمرکز است و تمرکز، اتصال گیرنده را از مقام "شاهد" خارج می کند.  
به بحث تمرکز چند اشکال وارد است :

1- اگر قرار باشد تنها روی یک نقطه از هستی تمرکز کنیم؛ کدام نقطه را انتخاب کنیم؟ کدام تجلی الهی را در

نظر بگیریم که باقی تجلیات را از دست ندهیم؟

2- خود تمرکز از حدی به بعد باعث اختلال می گردد. برای مثال کسانی از یک مانترا برای کنترل ذهن

استفاده می کنند، پس از مدتی خود مانترا ملکه ذهن می شود و همین موضوع باعث به هم خوردن کنترل

ذهن است.

به شکل کلی دو دیدگاه وجود دارد:

اولین دیدگاه بیان می کند آنقدر جهان هستی را کوچک کنیم تا در ذهن ما جای بگیرد. برای مثال تمرکز روی یک شمع یا روی یک نقطه و یا استفاده از یک ماترا ....

دومین دیدگاه بیان می کند آنقدر ذهن خود را گسترده کن تا جهان هستی در ذهنت جای بگیرد.

دیدگاه فراکل نگر دومین دیدگاه را می پذیرد.

در دوره شش بحث «بسم الله» مطرح شد و اینکه تمام تجلیات هستی نام خداوند هستند و نگاه اینتریونیورسال یا فراکل نگر به معنای نگاه به بسم الله است. ذهن انسان قادر است تنها تا مرز بسم الله را پیش برود و راهی به خدای حقیقی (عدم) ندارد.

حال به کدامین قسمت از عظمت "بسم الله" تمرکز کنیم. آیا نگاه جزء نگر به یک نقطه باعث بی توجهی به نقاط دیگر نمی شود؟ در بحث فراکل نگر، تمرکز فقط باعث ایجاد اختلالاتی می شود که جزء نگری یکی از آنهاست. وقتی شکارچی در شکارگاه منتظر صید است؛ در ابتدا باید **کنترل ذهن** داشته باشد. سپس می بایست تمام چارچوب های ذهنی خود را کنار بگذارد و منتظر صید از پیش تصور شده ای نباشد تا بتواند هر چیزی که از منظر دید او عبور می کند را شکار کند (**ذهن بی ذهنی**) حال اگر دوربین شکارچی روی یک نقطه زوم باشد گسترده دید او کوچک می گردد و بسیاری از صید ها را از دست خواهد داد. اگر منظر دید او گسترده تر شود و روی نقطه ای مشخص فوکوس نکند، گستره بیشتری را می بیند و احتمال آنکه شکار کند بیشتر خواهد بود.

آگاهی نیز مانند همین صید می باشد و سالک همیشه منتظر شکار آگاهی ناب است و تمرکز فقط باعث به هم خوردن گستره عظیم دید او می شود.

در همه ی انواع ارتباط با خدا، با رعایت شرط "شاهد بودن" و رهایی از تمرکز بر هر موضوعی، می توان بر عشق و آگاهی آغوش گشود. اما نتیجه ی بهتر زمانی حاصل می شود که انسان در ارتباط مربوط به "گسترده گی"، همه ی وجود خود را در وسعت عظیمی (به عظمت جهان هستی) بیابد که در آن خبری از تعصبات قومی، نژادی و ... نیست.

در اثر این ارتباط، دید انسان از سطح زمین تا فراز کیهان صعود می کند و تفکر و اندیشه ی او چنان ارتقا می یابد که همه ی تنگ نظری های زمینی بر جا می ماند.

شاید بشود حاصل ارتباط مربوط به گسترده گی را این طور توصیف کرد: **آشتی با عظمتی وصف ناپذیر و غوطه وری** در آن. آنچه در این هیبت حیرت انگیز موج می زند، بی نیازی مطلق خداوند است که فقر وجودی انسان را به معرض دید او می گذارد و اولین چیزی که در رویارویی با این شکوه، قربانی می شود غرور و تافخر است.

اما احساس فقر و ناچیزی در برابر این گسترده گی بی انتها، انسان را تحقیر نمی کند. این احساس، دستهای خواهش او را به عظمتی سرشار از لطف و رحمت می سپارد تا او نیز از آن بی نیازی بیکران، نصیبی ببرد و اوج بگیرد. چیزی که در این بین تحقیر می شود، تعصب های جاهلانه ای است که انسانها را از هم جدا می کند و آنچه میماند، لذت درک وحدت در سرتاسر گیتی و سرمستی از نوشیدن می آگاهی و احساس گسترده گی در تن واحد هستی است.

بنابراین پس از حلقه ی گستردگی ، آگاهی ها بسیار عظیم تر و ناب تر خواهند بود. حلقه گستردگی گسترده دید ما را به سمت درک وسعت "بسم الله" می رساند. پس ارتباط گستردگی باعث می شود نگاه ما به آگاهی ها گسترده تر شود و همانند کسی که از بالا قطعات تکمیل شده یک پازل را مشاهده می کند، درک بهتری از مسائل عمیقی مثل فلسفه خلقت و ... ایجاد می گردد. همچنین ارتباط گسترده باعث نگاه گسترده تر و کل نگر به مسائل زمینی و دغدغه های زمینی نیز می گردد و باعث می شود دغدغه های زمینی کمرنگ تر شوند و نگاه ما و دغدغه های ما وسیع تر و گسترده تر شوند. برای مثال وقتی دو کودک با یکدیگر سر مسئله ای دعوا و نزاع می کنند همواره یک مربی مهد کودک به این می اندیشد که چقدر دنیای این دو، کوچک است و چه دغدغه های کوچکی دارند. برای مثال تمام دغدغه شان یک عروسک است. اما خود ما هم دغدغه های کوچک و جزئی داریم و درگیر «عروسک بازی» خودمان هستیم و از نگاهی کل تر تمام زندگی ما نیز صرف مسائل کوچکی می شود مثل دغدغه ترافیک، دغدغه پول درآوردن و... برای مثال فردی دغدغه خانواده خود را دارد، برای این فرد مهم نیست چه اتفاقی برای شهرش، وطنش یا انسانهای کشورهای دیگر می افتد. او تنها دغدغه خانواده خود را دارد اما فرد دیگری که دغدغه ملیت خود را دارد (ناسیونالیست) و شخص دیگری عظیم تر و گسترده تر نگاه می کند و قلبش برای هر انسانی در هر نقطه از دنیا می تپد (اینترناسیونالیست). اما از نگاه اینترناسیونال عظیمتر، نگاهی است که قلب کسی برای هر تجلی الهی بتپد و تمام تجلیات برای او مقدس گردد و به درک عظمت "بسم الله" رسیده باشد. این نگاه، همانا نگاه "اینترنیورسال" است و اینترنیورسالیست کسی است که نگاه به عظمت تمام تجلیات الهی دارد که همانا عظمت "بسم الله" است. ارتباط گستردگی باعث درک این نگاه فراکل نگر و عظیم خواهد شد که در آن دغدغه ما، تمام تجلیات خواهد بود. ارتباط گستردگی پس از مدتی منجر به این خواهد شد که ذهن ما نیز بیش از آن که درگیر دغدغه ها و مسائل زمینی باشد معطوف به مسائل کلی و ناب گردد. برای مثال اگر پیش از این همواره تفکرات ما درگیر مسائل مالی، کاری و... بود پس از مدتی همواره درباره مسائلی چون تن واحده هستی، بسم الله، وحدت وجود و... می اندیشیم. این ارتباط بیشتر از قبل ما را به کم رنگ شدن دغدغه های زمینی و درک «بگذارید و بگذرید، ببینید و دل نبندید و ...» می رساند. به درک اینکه تمامی لذت های زمینی تاریخ مصرف دارند و تا زمانی که به آنها نرسیده ایم بسیار شیرینند. اما به محض آن که به آنها دسترسی پیدا کنیم پوچ خواهند شد..

پس ارتباط گستردگی منجر می شود به :

- 1- درک وسیعتر و گسترده تر از مفاهیم کلی کمال
- 2- نگاه گسترده تر به دغدغه های زمینی و کم رنگ شدن بسیاری از دغدغه های بی ارزش زمینی

در ارتباط گستردگی، به شکل مجازی امکان دارد که فرد احساس کند که سر یا بدنش وسیع و گسترده می گردد.

در عرفان حلقه اعتقاد بر این است که دو نوع اخلاق وجود دارد . 1- اخلاق روی پله عقل 2- اخلاق روی پله عشق

## اخلاق

**اخلاق روی پله عقل:** اخلاق روی پله عقل به معنای رعایت آداب و «باید و نباید» هاست که در هر جامعه، فرهنگ و در هر زمان تغییر می کند. اخلاق روی پله عقل در واقع بحث رعایت قوانین است . از جمله قوانین جامعه قوانین مدنی، فرهنگی و ... . تا زمانی که برای رعایت کردن یا عدم رعایت موضوعی پاداش و جزا مطرح باشند در پله عقل فرد این قوانین را رعایت می کند. برای مثال در پله عقل فرد غیبت نمی کند چون گناه نا بخشودنی است و ...

**اخلاق روی پله عشق:** اخلاق روی پله عشق در واقع همان نهایت مفهوم درک گستردگی است. برای مثال فرد، غیبت نمی کند اما نه فقط به این خاطر که کار غلطی است و نباید این کار را انجام دهد. بلکه دغدغه های او بسیار کل تر و وسیع تر از آن است که وقت و زمان خود را به غیبت کردن اختصاص دهد. ذهن این فرد آنقدر به دنبال دانش کمال و فلسفه خلقت و مفهوم عبادت و ... است که اصلاً ذهنش درگیر خیلی از گناهان از جمله غیبت و ... نمی شود. در اخلاق روی پله عشق، فرد بدون آنکه باید و نبایندی برایش مطرح باشد مرتکب گناه و یا اشتباهی نخواهد شد. نهایت عظمت اخلاق روی پله عشق، همانا درک مفهوم عصمت است .

بنابراین عصمت **اكتسابی** است و مانند کمال، **بی نهایت** است و سالک در این مسیر طی طریق می کند. عظمت نگاه یک فرد در این است که به درجه ای رسیده باشد که نه تنها گناهی نمی کند، حتی دغدغه آن گناه را نیز در سر نمی پروراند.

## من ثابت و من متحرک

روح الله ( یا گنجینه ی صفات الهی) که در ابتدای خلقت آدم به او سپرده شد، در همه ی مراحل سیر در چرخه با او همراه است و در مرحله ای از مسیر کمال(پس از جهنم)، در اختیار وی قرار می گیرد تا با استفاده از آن بتواند در جهان دوقطبی، به تجربه ای متفاوت دست یابد. (رجوع به جزوه دوره 4)

به عبارت دیگر، حرکت او در چرخه ی جهان دوقطبی، در صورتی به نتیجه می رسد که این صفات الهی (ساحت خدایی) در وجود او آشکار شود. به دلیل این که این صفات، ثابت و تغییر ناپذیر هستند، به این بخش از وجود هر یک از کثرات آدم (آدمیزاد)، **"من ثابت"** گفته می شود.

بخش دیگر وجود هر انسان که با کسب تجربه، به سوی مبدأ در حرکت است، **"من متحرک"** نام می گیرد. هر متحرکی ناقص بوده، به سوی کمال خود در حرکت است. کمال آدم، آشکار کردن صفات الهی و رسیدن به وحدت است.

پس، هر یک از ما انسانها به سوی صفات الهی در حرکت هستیم.

به این ترتیب، صرف نظر از **"من ثابت"**، انسان مجموعه ای است از نفس (و ملزومات آن همچون عقل و ... ) و کالبدهایی که به عنوان مرکب، نفس را تا مرحله ی پیوستن به **"من ثابت"** حمل می کنند.

نفس و روح الله از عالم تک قطبی به پیکر انسان تعلق می گیرند و به این جهت، می توان آنها را **"مخلوق خاص"** نامید. اما مجموعه ی کالبدها و ملزومات آنها که محصول جهان دوقطبی هستند، **"مخلوق عام"** نام می گیرد.

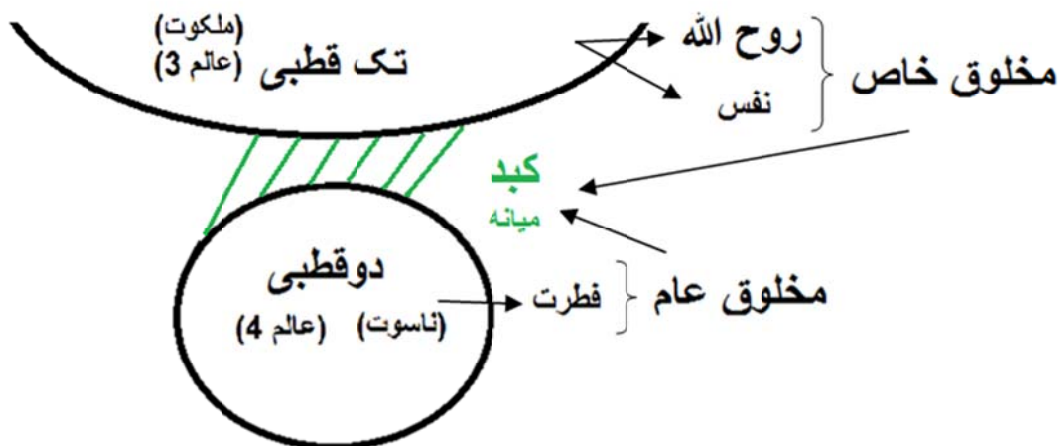
بنابراین :

مخلوق خاص : نفس و روح الله (متعلق به جهان تک قطبی)

مخلوق عام : تمام ملزومات نفس و همچنین مرکبها (مجموعه زوج نفس) (دارای خصوصیات جهان دو قطبی)

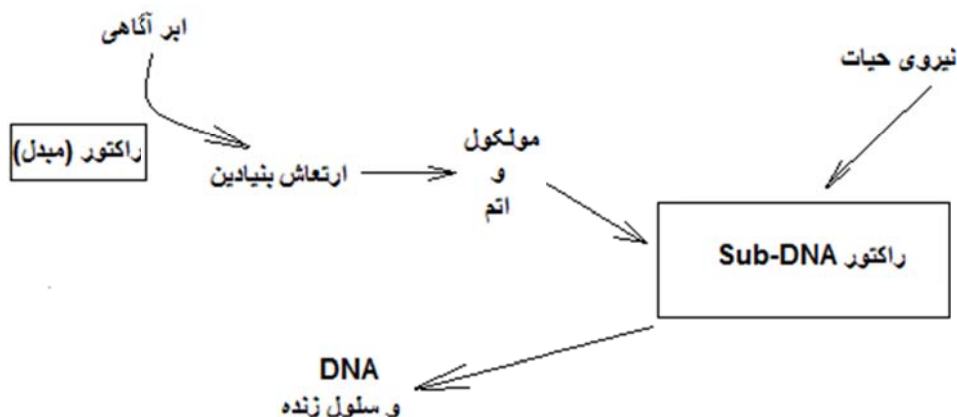
خلقت آدم در ابتدای چرخه ی جهان دو قطبی، در میانه ی جهان تک قطبی و دو قطبی یعنی با در کنار هم آمدن دو بخش "مخلوق خاص" و "مخلوق عام" انجام شده است که یکی متعلق به جهان تک قطبی می باشد و دیگری خصوصیات جهان دو قطبی را دارد.

همانطور که گفته شد، من ثابت و من متحرک (نفس) انسان، مخلوق خاص هستند. انسان با در بر داشتن "من ثابت" از سایر موجودات جهان دو قطبی متمایز شده است و بازگشت "من متحرک" (نفس) او به سوی مبدأ، با بازگشت آنها تفاوت بسیاری دارد.



## تفاوت حیات و جان

نیروی حیات نیرویی است که به مرکب وارد می شود. مثلا در این دنیا، این رآکتور Sub-DNA است که نیروی حیات را دریافت می کند و باعث می شود مولکول های مرده، تبدیل به DNA زنده گردند.

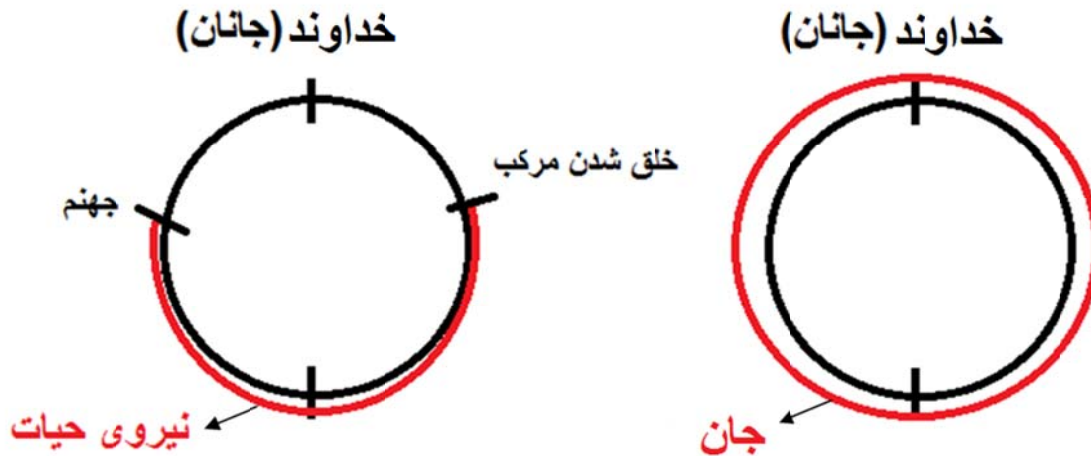


اما نیروی حیات مختص فقط این زندگی نیست . از زمانی که مرکب های مختلف انسان خلق شده اند (که جزو مخلوق عام می باشند)، نیروی حیات نیز برای پیشبرد امور مرکب ها و حیات آنها در هر زندگی جاری شده است. نیروی حیات فقط تا آن جایی از چرخه انا لله و انا الیه راجعون جاری است که مرکب هم وجود داشته باشد (جهنم). بعد از جهنم و تزویج من ثابت و من متحرک و رسیدن به مقام خلیفه اللهی، آدمیزاد دیگر نیازی به مرکب ندارد و نیروی حیات نیز وجود ندارد. (رجوع به جزوه دوره 4)

اما نیروی جان نیروی محرکه اولیه ایست که به نفس وارد می شود و در ابتدای چرخه این نیرو وارد می گردد و تا زمانی که به جانان برسیم (لقا به رب در انتهای چرخه انا لله و انا الیه راجعون) همواره جاری است.

می توان نیروی جان را به مانند نیروی محرکه اولیه ای دانست که به یک ماهواره وارد می گردد. این نیروی محرکه اولیه اگر دقیق محاسبه گردد باعث می شود ماهواره در مداری دور زمین شروع به گردش کند و برای این گردش دیگر نیازمند نیروی دیگری نیست و همان نیروی اولیه کافی است. نیروی جان نیز که از لحظه نفس به آن وارد شده است و باعث می شود حرکت من متحرک در چرخه شکل بگیرد.

اما در آن مثال، ماهواره همواره برای امور داخلی خود، مانند عکس برداری، مخابره پیام ها و... نیازمند نیرو و انرژی است و برای همین دارای باتری های خورشیدی است که این نیرو را تامین نمایند. این باتری های خورشیدی را می توان به مثابه نیروی حیات دانست.



پس جان از ابتدا تا انتهای چرخه نفس را در مسیر چرخه انا لله و انا الیه راجعون به سمت جلو می کشاند. نه از بین رفتنی است و نه نیاز به جاری شدن دوباره دارد. اما حیات از خلقت مرکب (در نیمه اولیه چرخه) جاری می گردد تا جایی که مرکب وجود دارد (جهنم).

پس ، با مرگ در این دنیا، جان از دست نمی رود و بلکه این نیروی حیات است که ارتباطش با مرکب (جسم) قطع می شود و ممات حاصل می گردد. (موت) و دوباره پس از طی شدن برزخ، در زندگی بعدی (فرامکانی) مرکب زندگی فرامکانی با استفاده از نیروی حیات جاری در آن، به زندگی در آن مرحله می پردازد.

## جلسه دوم

### مفهوم یوم الدین

دین به مفهوم مرام است. مرام یا مرام توحیدی است و یا مرام غیر توحیدی. مرام توحیدی همانا "تسلیم" است.  
"ان الدین عند الله الاسلام"

در هیچ جا واژه ادیان بکار نرفته است. زیرا که دین توحیدی یکی است و در طول تاریخ توسط انبیا تکمیل گردیده است. و شریعت های مختلف همه در راستای هم و برای تکمیل کردن پیکره نهایی دین آمده اند.... بنابراین هر فرد مرام خود را دارد (صرفنظر از مرام توحیدی یا غیر توحیدی وی)  
یوم الدین به معنای روز بررسی مرام هرکس است. (روزی که هر کس را بر اساس باور ها و اعتقادات خودش می سنجند)

محاکمه ای که به خدا نسبت داده می شود، در خود عرصه ی قیامت جاری است. یعنی پرسش کننده ای وجود ندارد؛ اما همین که فرد به این مرحله می رسد، (در پیشگاه مالک قیامت) در برابر این پرسش قرار می گیرد که براساس مرام خود، چه همراه آورده است. یعنی از او پایان نامه ای طلب می شود که در حد سعی و توان خود اوست.

منظور از این پایان نامه، همان دانش کمال است که نتیجه و محصول حیات او تا آن مقطع را نشان میدهد. اما سوال کننده ای درباره ی این پایان نامه سؤال نمی کند؛ بلکه از سویی خود انسان، به آن احساس نیاز دارد و از سوی دیگر چون هیچ واقعیتی در عالم از بین نمی رود، گویا همه چیز در این محاسبه نقش دارد و به این موضوع گواهی می دهد که او در کسب کمال چگونه عمل کرده است.

با یک مثال می توان این مطلب را بهتر فهمید. کسی که بدون آموختن زبان رایج در یک کشور دیگر، به آن کشور سفر کند، به طور طبیعی در معرض این سؤال قرار می گیرد که در آن مکان، چقدر امکان صحبت کردن و امکان برقراری ارتباط با دیگران را دارد. در واقع، کسی از او این سؤال را نمی پرسد؛ اما او بر اساس نیاز خود، با این سؤال مواجه است. پرسشهای مربوط به قیامت نیز به همین صورت در بطن آن وجود دارد.

در این شرایط، همه ی باورها و اطلاعاتی که گمان می کرده است برای او مفید خواهد بود و چنان بر آن پافشاری داشته است که مانند کوه سفت و سخت شده است، در هم فرو می ریزد و حقیقت آنها آشکار می شود.

بنابراین، در یوم الدین، هرکس را با توجه به مرام خودش و سعی و توان خودش از ثبت پایان نامه اش می سنجند. مثلا اگر کسی در این دنیا مرامش، علم بوده و صرفا نگاهش به وقایع از منظر علوم بوده است، باز هم در برابر ظلمی که به کسی می کند باید جوابگو باشد چون این آسیب، به نوعی آسیب روانی و جسمی و ... برای فرد مظلوم داشته است. کسی که مرامش فقط انسانیت بوده نیز همینطور .... حال تصور کنید که کسی با مرام عشق، مسئولیتش در آنجا آسانتر است یا سخت تر؟



## حلقه شارژ شعوری

شارژ شعوری یعنی سوار کردن موقت شعور بر روی جسم بی جان

برای مثال یک گل یا گیاه را نمی توان با حلقه شارژ شعوری، شارژ کرد. شارژ شعوری موجودات زنده در واقع همان فرادرمانی ست.

شارژ شعوری برخلاف "شعور هنگام خلق یک اثر" (رجوع به جزوه دوره 8) که مثل یک اثر انگشت ثابت است و تغییر نمی کند، موقتی است و اجسام تحت تاثیر شارژ شعوری در هر لحظه می توانند دارای یک شارژ باشند.

شارژ شعوری به دو گونه است :

1- شارژ شعوری طبیعی

2- شارژ شعوری همراه با حلقه

### 1- شارژ شعوری طبیعی

اگر انسان را از کره زمین حذف کنیم، تمام جمادات و نباتات و حیوانات دارای شعور ثابتی هستند و این انسان است که شعور متغیر دارد و هر لحظه یا شعور مثبت و یا شعور منفی از او ساطع می گردد. مثلا یک تکه سنگ در کوهستان برای هزاران سال شعوری ثابتی داشته است . اما کافی است انسانی از کنار آن بگذرد و در آن لحظه شعور مثبت یا منفی ساطع کند . این تشعشع شعوری وی، روی آن تکه سنگ نیز به شکل موقت اثر می گذارد. اما اثر شارژ شعوری دائمی نیست و پس از گذشت مدت زمانی، شعور آن سنگ با شعور محیط پیرامون خودش به تعادلی می رسد.

این شارژ شعوری که توسط رهگذر به روی سنگ داده شد، شارژ شعوری طبیعی است.

همینطور، دعایی که سر سفره غذا و قبل از شروع آن خوانده می شود، برای شارژ شعوری طبیعی غذاهاست. (البته زمانی موثر است که فرد کاملا با خلوص نیت و با فکر مثبت شروع به خواندن دعا و طلب خیر کند و فقط خواندن یک دعا بدون حضور قلب و نیت فرد، بی اثر است).

در فرهنگ عام تجربه کرده ایم که آشپزی ، غذایش خوب می شود که عشق به آشپزی دارد . چون همزمان غذاها را شارژ شعوری طبیعی مثبت می کند و بخشی از این طعم خوب، به خاطر شعور مثبتی است که سوار آن غذا می شود.

پس شارژ شعوری طبیعی ، کاملا به نیت فرد شارژ کننده در آن لحظه بستگی دارد.

دیده شده است که در کلیساها کشیش یا کشیشهایی ساعتها با خلوص نیت و بدون فکر در مورد مشکلات زندگی و ... شروع به دعا کردن در کنار ظرفی آب می کنند و آن آب ، اصطلاحا شارژ می شود و آب مقدس نام میگیرد.

## 2- شارژ شعوری همراه با حلقه

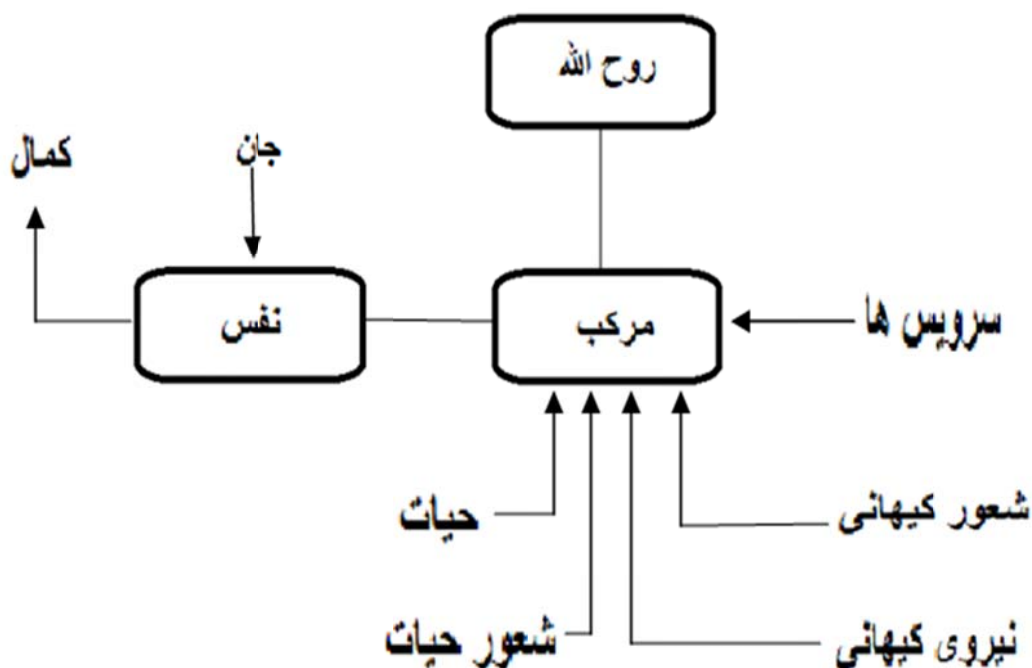
در این حالت، همانند حلقه های دیگر، شارژ شعوری فقط با یک نظر اتفاق می افتد و هیچ ارتباطی به نیت فرد و یا فاز مثبت و منفی بودن او در هنگام نظر انداختن ندارد.

شارژ شعوری، چه طبیعی و چه همراه با حلقه، می تواند منفی و یا مثبت باشد برای مثال در زیر پرچم شیطان، گاهی روی غذاهایی شعور منفی سوار می کنند و به خورد دیگران می دهند و به آن "چیز خور کردن" می گویند. بحث «کریستالهای آب» که توسط پرفسور ایمو تو مطرح شده است نیز بحث شارژ شعوری طبیعی ست که باعث تغییر شکل بلور های آب می گردد. اما مساله ای که در آن تحقیق مد نظر قرار نگرفته است این است که از دیدگاه عرفان حلقه، هیچ کلمه ای شعور مثبت و یا منفی ندارد و این نویسنده واژه هاست که شعوری را روی کلمات سوار می کند. مثلا هنگامی که کلمه عشق یا نفرت، خدا یا شیطان را می نوشت، می دانست که چه مفهومی را می انگارد و شعوری را سوار آن کاغذ می کند که با چسباندن کاغذ به ظرفی آب، باعث تغییر شکلی کریستالهای آب می گردد. حلقه شارژ شعوری نیازمند کسب اجازه نیست از راه دور و نزدیک می توان آن را اعلام نمود. البته راه دور آن به شرطی امکان پذیر است که هدف گیری روی ماده مورد نظر دقیق باشد. مثلا اگر فردی نظر بیاندازد به شارژ شعوری غذای یک نفر، این اتفاق نمی افتد مگر آنکه بداند هم اکنون یک بشقاب غذای مشخص جلوی اوست و آن بشقاب غذا را شارژ کند.

حلقه شارژ شعوری را می توان به دو شکل استفاده کرد :

- 1- شارژ شعوری به شکل کلی : که با یک نظر روی غذا یا هر ماده دیگری انجام می گردد.
- 2- شارژ شعوری همراه با دستورات و data در مورد بیماری های جسمی یا علائم جسمی یک بیماری .... مثلا می توان یک لیوان آب را با نظر به شارژ شعوری برای ترمیم زخم معده ، شارژ کرد و به بیمار داد. همچنین برای باز شدن رگ قلب، یا هر گونه علائم جسمی دیگر ... پس در نظر داشته باشید که نمی توان غذایی را به عنوان مثال برای رفع اضطراب شارژ کرد . زیرا این مساله جسمی نیست.... همچنین در مورد علائم جسمی تمام بیماری ها می توان از این حلقه برای شارژ ماده غذایی استفاده کرد. مثلا در مورد بیماری صرع، می توان غذا را برای بالا رفتن آستانه تحریک الکتریکی سلولهای مغز شارژ کرد. قطعا در مورد استفاده تخصصی از این حلقه هرچه جزئیات اطلاعات دستوری بیشتر باشد، بهتر است. بنابراین پزشکان بهتر از سایرین می توانند از این حلقه استفاده کنند

در آخر باید عرض کرد که تا زمانی که فرد همکاری می کند و اتصال فرادرمانی می گیرد ، افراط در زمینه شارژ شعوری فقط ممکن است فرادرمانگیر را به سمت گمراهی ببرد و بهتر است با همان فرادرمانی کار را پیش برد و از این حلقه در کنار فرادرمانی، بدون آنکه به بیمار گفته شود، کمک جست. در هنگام نظر به شارژ شعوری، اصلا از دست، جهت عدم ایجاد سوتفاهم در بیمار یا فرد مقابل، استفاده نگردد.



در جلسات قبل، در مورد تفاوت جان و حیات صحبت شد و گفته شد که جان به نفس وارد شده است و حیات (نیروی حیات) به مرکب.

در هر موجود زنده، عقل پیشرفته تری به شعور زمینه (ماده و انرژی) اضافه شده است که "شعور حیات" نام می گیرد. به این لحاظ، حتی یک تک سلولی از نظر شعوری نسبت به عظیم ترین مجموعه ی غیر زنده (مجموعه ی کهکشانی)

برتر است (رجوع به جزوه دوره 2).

این که مرکب انسان می تواند نیروی حیات را توسط رآکتور Sub-DNA جذب کند و حیات را جاری نماید، بخاطر وجود شعور حیات است. عقلی پیشرفته که این رآکتور را ساخته و پرداخته و فعال می کند.

اما مرکب انسان علاوه بر نیروی حیات، به نیروهای دیگری نیز نیاز دارد که مجموعه آنها را نیروی کیهانی (سوخت) می نامیم و خود قسمتهای مختلفی دارد :

- 1- نیروی کالبدی : در پیکره ی حیوانات و انسانها مبدلهایی به نام چاکراها وجود دارد که نیروی کیهانی جاری در جهان هستی را به نیروی قابل استفاده برای کالبدهای مختلفی همچون کالبد فیزیکی، کالبد اختری، کالبد روان، کالبد ذهن و... تبدیل می کنند. این نیرو، "نیروی کالبدی" نامیده می شود.
- 2- نیروی ارگانی : مبدلهای انرژی خاصی در اندامهای بدن حیوانات و انسانها نیروی کیهانی را به نیروی قابل استفاده در ارگانها (مثل قلب و کلیه و کبد و...) تبدیل می کنند. کانا لهایی که در طب سوزنی مورد توجه قرار می گیرند (کانالهای مریدین)، از این نوع مبدلها هستند. نیرویی که این مبدلها به ارگانها می دهند و بین اعضای مرتبط به هر کانال ایجاد تعادل میکند "نیروی ارگانی" نام دارد.

اما نحوه استفاده از این نیروهای کیهانی، شعوری را می طلبد که به آن شعور کیهانی گفته می شود.

پس تا اینجا ما با سه نوع رآکتور (مبدل) آشنا شده ایم که همگی از جنس شعور هستند :

راکتورها:

- 1- **Sub-DNA**  
این رآکتور نیروی حیات را می گیرد و مولکول های باز های آلی را که مرده محسوب می شوند به رشته های دی-ان-ای زنده تبدیل می کند. این رآکتور نیروی حیات که نیاز درجه یک مرکب است را تامین می کند. هنگامی که مرگ اتفاق می افتد در حقیقت این راکتور از کار می افتد .
- 2- **چاکراها**  
راکتورهایی هستند که نیروی کیهانی کالبدی را به منظور تغذیه کالبد های مختلف انسان(کالبد ذهنی، کالبد رولنی، کالبد اختری و...) دریافت می کنند
- 3- **کانال های مریدین**  
این رآکتورها، نیروی کیهانی ارگانی را دریافت می کنند و در جهت تغذیه مدیریت شعوری ارگان ها و اعضا (مانند مدیریت شعوری کبد، مدیریت شعوری قلب و...) جاری می کند

اصولا طب سوزنی به دو شیوه موثر است

- 1- از طریق اثر گذاری روی کانال های مریدین
- 2- به خاطر سوزن فلزی استفاده شده در طب سوزنی، اثراتی برای جابه جای ویروسهای غیر ارگانیک از روی کانالها (رجوع به جزوه تشعشع دفاعی)

## سرویس های مرکب:

سرویس های مرکب جزء نیاز های ضروری نیستند. سرویس های مرکب، اموری هستند که با اینکه ضروری نیستند، اما تا جایی که نفس را از مسیر کمال دور نکنند، نه تنها بد نیستند بلکه شاید باعث افزایش انگیزه در جهت حرکت به سمت کمال می گردند. برای مثال اینکه چه لباسی پوشیده شود، چند نوع غذا مصرف شود و یا تامین نیاز جنسی و شهوت و ...

سرویس های مرکب خواسته یا ناخواسته در راه کمال دست و پا گیر هستند اما اگر هدف اصلی نباشند و منافاتی با راه کمال نداشته باشند مشکلی به وجود نمی آورند. راننده ای را تصور کنید که ماشین خود را به کارواش برده سرویس های لازم را انجام داده است و آماده حرکت برای مسابقه می باشد اما هنگام آغاز مسابقه همچنان درگیر رسیدگی به سرویس های ماشین از جمله شستشو و رینگ اسپرت و ... می شود و از مسابقه باز می ماند. در اینجاست که سرویسها عامل ضد کمال می شوند. در غیر این صورت اگر راننده ای به شستشوی ماشین، رینگ اسپرت، سیستم صوتی و ... هم اهمیت دهد، حال این سوال مطرح می شود که اکنون که به مرکب خود به شکل کامل رسیدگی کردی و نیازهایش را تامین نمودی، حال این مرکب را به کجا می رانی؟ به سمت کمال یا ضد کمال؟ ... تفکیک نفس و مرکب موضوع بسیار مهمی ست. این که گفته می شود خوردن و خوابیدن و شهوت مربوط به نفس است اشتباه می باشد..

سوال: شهوت جزء سرویس های مرکب است یا ملزومات نفس؟

پاسخ: شهوت جزء سرویس های مرکب است زیرا ما در زندگی بعدی جنسیت نداریم و جنسیت فقط مخصوص زندگی دنیا ست.

فردی که دارای سلامت روانی می باشد، یعنی از نظر روانی در فاز + است و از طرفی دیگر سلامت ذهنی نیز دارد، مشکلات ادراکی و تشتت ذهنی و.. ندارد، پاداشی به او داده می شود به نام سلامت جسمی و نیز سلامت جنسی، این پاداشی ست برای سلامتی روانی و ذهنی. یعنی هدیه ای که در ازای سلامت روان و ذهنش گرفته است، سلامت جنسی است. پس چطور می شود گفت هدیه ای اینچنین می تواند بد باشد و یا غیر ضروری یا بیهوده. می دانیم که همه ما محصول شهوت هستیم، تولد ما محصول شهوت است، بقای نسل محصول شهوت است بنابراین امکان ندارد چنین چیزی بد باشد

حال در باره اینکه شهوت بد است یا خیر می توان گفت تا آنجایی خوب است که نفس را درگیر نکرده و از حرکت به سمت کمال باز ندارد.

اصولا هر چیزی که انسان را به سمت کمال سوق دهد صواب و هر چیزی که او را به سمت ضد کمال سوق دهد گناه است.

اگر سرویسهای مرکب فرد را از حرکت به سمت کمال باز دارد و او را غرق تامین نیازهای مرکبش کند، ضد کمال محسوب می گردد. اما اگر فردی با دادن سرویسهای مرکبش، روحیه ای تازه و انگیزه ای مضاعف برای حرکت به سمت کمال بیابد، دیگر ضد کمال محسوب نمی شود.

گاهی دغدغه های یک فرد تنها معطوف به سرویس های مرکب است مانند دغدغه ی لباس، دغدغه ی خوراک و... اما اگر این سرویس ها دغدغه اصلی فرد نباشند و هدف اصلی حرکت به سمت کمال باشد رسیدگی به مرکب و

سرویس دادن به آن مشکلی ایجاد نکرده و گاهی حتی باعث ایجاد انگیزه برای ادامه مسیر خواهد بود. وقتی هدف اصلی حرکت به سمت کمال باشد بحث در مورد سرویس دهی به مرکب کاملاً حل شده به نظر می آید. معیار قضاوت در مورد فرد، سرویس دهی به مرکب نیست، چرا که مرکب در اصل گناه کار است. چه مرکب سالم باشد و چه ناسالم، کمال نفس امکان پذیر است؛ اما در صورتی که مرکب وضعیت مطلوبی داشته باشد، سرمایه ی عمر کمتر صرف رسیدگی به آن می شود و از این نظر، امکان تعالی بیشتری وجود خواهد داشت. هر که آمد به جهان نقش خرابی دارد مرکب هیچ فردی پاک نیست و مسئله تطهیر مربوط به نفس است. تطهیر در واقع برنامه ریزی نفس است که با چه اطمینانی می خواهد حرکت کند مفهوم تطهیر بحث بسیار عظیمی است که در رابطه با مرکب نیست و بسیار درونی تر است و مربوط به بحث محور وجودی است.

## حلقه اعوذ بالله یک

حفاظتی است بسیار عظیم که همانند یک چتر حفاظتی عمل می کند و در هنگام هرگونه

1- اعمال عبادی

2- هر اندیشه ای در مورد کمال

3- هر تحقیقی در زمینه کمال

حفاظت اعوذ بالله اهمیت ویژه ای دارد به خصوص در زمان جنگ های تشعشعاتی، کاربرد خاص خواهد داشت. مساله اینجاست که آیا همینکه گفته می شود اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، آیا این حفاظت و این پناه اتفاق می افتد؟ اعتقاد داریم که خیر و هر ظاهری، باطن و حلقه ای دارد که این حلقه اعوذ بالله توسط دانشجویان در هنگام نماز و عبادت و تحقیق و ... تست می شود و اثرات آن را بررسی می کنند. پس در زمینه هر گونه تحقیق در زمینه دانش کمال، شناخت شبکه های شیطان پرستی و ... می توان از این حفاظت استفاده کرد.

حلقه دیگری به اسم اعوذ بالله 2 وجود دارد که توسط مربی دوره 7 برای کسانی که در دوره های عرفان حلقه شرکت نکرده اند، می تواند به شکل موردی کار شود و تفویض نمی گردد. مثلاً فردی قصد رفتن به مکه یا ... دارد و این حلقه برای آنها توسط مربی دوره 7 به شکل موردی کار می شود. (در صورتی که خود آن فرد آگاهانه آنرا بخواهد)

ولی دانشجویان دوره 7 که این حلقه را برای خودشان می گیرند، دیگر نیازی به اعوذ بالله 2 ندارند و حلقه اعوذ بالله یک بسیار کامل و کافی است.

این حلقه فقط مخصوص خود دانشجو است و قابل تفویض به غیر نمی باشد.

## جلسه چهارم

### بحث نفس به عنوان مخلوق خاص

در جلسات قبل در مورد مخلوق خاص و عام صحبت شد. از منظری دیگر نیز می توان به این مقوله نگاه کرد :

جایی که صحبت می شد : خداوند ← هوشمندی ← قوانین ← اعداد ، در حقیقت از مخلوق عام صحبت می کنیم . چون اصولا مخلوق عام، مخلوقی است که از کانال هوشمندی می گذرد و در جهان دو قطبی جاری می گردد.

مثلا فطرت به عنوان یکی از ملزومات نفس (که در درسهای جلوتر توضیح داده می شود و به شکل بسیار کاملتر در دوره سایمنتولوژی) در تعریف آن آمده است : فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ... این تعریف به نوع خود، از جهانی دو قطبی صحبت می کند که بدی و خوبی را الهام کرده است ..... پس فطرت در جهان دو قطبی و از کانال هوشمندی جاری شده است.

اما در مورد مخلوق خاص (روح الله و نفس) هوشمندی هیچ دخالتی در خلقت آن در جهان تک قطبی ندارد .

در مورد روح الله به این دلیل هوشمندی دخالتی نداشته است که :

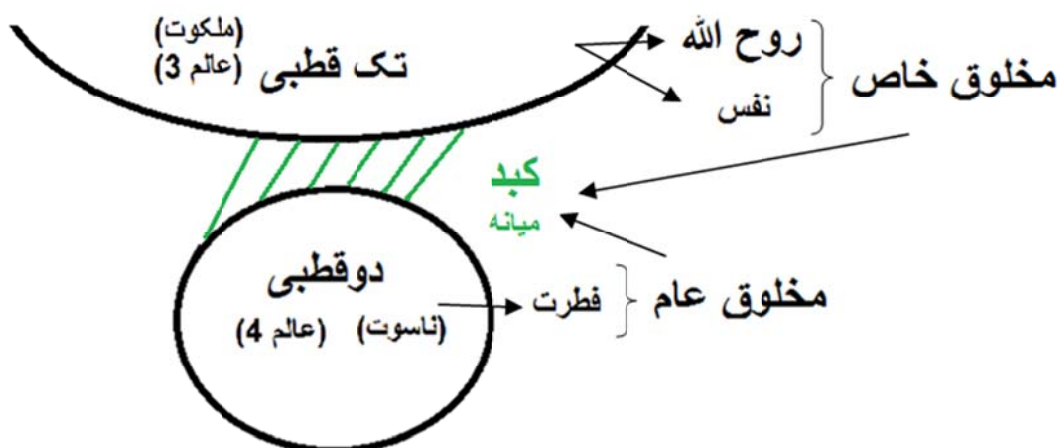
- اسماء کل که در روح الله جای دارد را ملائک نمی شناختند . همانا روح الله اریکه قدرت الهی است که هوشمندی فاقد آن است

- همچنین در مورد نفس، اگر نفس می تواند عاشق شود و پله عشق را درک کند، پس باز هم محصول هوشمندی نیست زیرا هوشمندی شعور عشق را ندارد.

حال این سوال مطرح می شود که بالاخره آدمی زاد مخلوق خاص است یا عام ... با این حساب ما میانه ای هستیم از مخلوق خاص (روح الله - نفس) و مخلوق عام (روح القدس و هر آنچه که از کانال روح القدس جاری شده است) . مفهوم لقد خلقنا الانسان فی کبد نیز همین را میرساند (کبد بر خلاف برخی ترجمه ها به معنای رنج و سختی نیست، بلکه به معنای میانه می باشد) ... میانه ای از مخلوق عام و خاص

همانطور که در شکل زیر می بینید، و در دوره 8 به شکل کامل باز خواهد شد ، کبد را میانه ای از ملکوت و ناسوت(عالم 3 و 4) می توان دانست.





که انشاالله این بحث در دوره 8 تکمیل خواهد شد.

اما نفس ...

نفس همانند راننده ای است که مرکب را به سمت جلو می راند. و روح الله مسافر اصلی این مرکب ....  
 نفس مطمئنه، راننده ای است که از رانندگی اطمینان خاطر داریم و مسیر مستقیم را طی می کند .... نفس اماره ،  
 صفتی از راننده است که دست او را به سمت چپ و راست می کشاند .... پس نفس صفاتی دارد که هر کدام در جهت  
 کمال یا ضد کمال او را ترغیب می کنند.

در درسه های آینده در مورد روح ، که هادی نفس از هر مرحله به مرحله بعدی است و به نوعی به مثابه یک قطب نما  
 برای نفس (راننده) می باشد صحبت خواهیم کرد.

پس، نفس، جان و روح مفاهیمی نیستند که در چرخه انالله و انا الیه راجعون از بین بروند و یا دوباره بوجود بیایند و تا  
 آخر چرخه انالله و انا الیه راجعون باقی می مانند.

این نفس به عنوان راننده برای حرکت ملزوماتی را نیاز دارد که در جلسه آینده به شکل اجمالی آنها را بررسی  
 خواهیم کرد . **با اینکه نفس خود، مخلوق خاص است اما ملزومات نفس همگی مخلوق عام می باشند که جزئی از زوج  
 نفس به حساب می آیند.**

## ارتباط روح جمعی 2

همانطور که به یاد دارید، در دوره 5، دانشجویان قادر به نظرهایی در روح جمعی شدند. در دوره 5 توانستیم:

1- تشعشع مثبت یک

2- فرادرمانی

3- پیامهای معنوی مثبت

را در روح جمعی اعلام کنیم. البته همانطور که به یاد دارید، اعلام فرادرمانی در روح جمعی به معنای اسکن فرادرمانی نیست و فقط به معنی طلب شفا برای روح جمعی است. و همچنین قادر بودیم که گروه مخاطب را مشخص کنیم مثلا روح جمعی ایرانیان، یا جامعه مهندسين، یا بازجویان زندان اوین یا ...

حال با ارتباط روح جمعی 2 قادر خواهیم بود که حلقه های زیر را در روح جمعی اعلام کنیم:

1- کنترل تشعشع منفی یک

2- کنترل تشعشع منفی دو

3- کنترل تشعشع منفی سه

4- کنترل تشعشع منفی چهار

باید گفت که اعلام کنترل تشعشع منفی یک در روح جمعی یک در روح جمعی به معنای باطل کردن تمام طلسمهای دنیا نیست. بلکه به نوعی آگاهی باطل کردن طلسم و درک آن در روح جمعی اعلام می گردد و از اثرات جمعی طلسم ها اندکی کاسته می گردد و نمودار کلی روح جمعی را کمی به سمت مثبت متمایل می کند. همچنین است حلقه های دیگر.

در نزدیکی به زمان آخر، بشر درگیر طلسمهای جمعی، نفرینهای جمعی، مسخهای جمعی و ... می باشد و شاید اعلام این حلقه ها به شکل هر روز یکی از وظایف مهم ما بعد از دوره 7 باشد تا انشاءالله اثرات آن را در طی زمان ببینیم. همانطور که قبلا گفته شده است، اثر گذاری حلقه های روح جمعی در طول زمان مشخص می گردد.

اخیرا اشتباهاتی در دوستان دوره های بالا اتفاق می افتد که در جزوه دوره 5 نیز توضیح داده شده است. از جمله این که مثلا اعلام می شود: برای فردی در روح جمعی اعلام کنید ... در صورتی که این بی معناست و یا باید برای فرد اعلام کرد یا برای روح جمعی ... این اشتباه از آنجا شروع شد که در درسها تاکید بر این است که قبل از اعلام فردی، همیشه نظری به روح جمعی داشته باشیم، نه اینکه آن فرد را در روح جمعی اعلام کنیم.

همانطور که قبلا هم گفته شده است، حلقه های روح جمعی نیازمند هم ساعت شدن نیست و اینکه گفته میشود مثلا همه در ساعت 11 در روح جمعی اعلام کنیم، کاری غیر ضروری است.

## جلسه پنجم

### بازتاب شعوری منفی :

طبق قانون عمل و عکس العمل وقتی تشعشعات منفی به هستی تاییده می شود ، بازتاب شعوری نیز منفی خواهد بود. و هرچه این انعکاس شعوری بیشتر شود تاثیر آن بر روی اکوسیستم نیز بیشتر شده و باعث آسیبهایی حتی در اکوسیستم می گردد. برای باز شدن این بحث باید مبحث **القارعه** را باز کنیم.

القارعه به معنای ساعت، زمان و کوبنده است. به نوعی القارعه کرونومتری است که شامل همه ذرات عالم هستی می گردد. همه ذرات هستی کرونومتری دارند که هرچه بیشتر برآورد رفتار انسان و تشعشعات انسان به سوی بازتاب منفی پیش برود ، این کرونومتر هم زودتر به نقطه ی پایان زمان مشخص خود می رسد.

مثلا کرونومتر خورشید : همانطور که می دانید و در دوره 5 نیز گفته شده است، اکنون به نیمه عمر خورشید رسیده ایم و روزی میرسد که ذخیره هیدروژنی خورشید تمام می شود . در هر ثانیه پدیده ای به نام فیوژن یعنی جوش خوردن هسته ای در خورشید رخ می دهد . که طی آن 2 اتم هیدروژن به هم جوش می خورد و 2 هیدروژن تک الکترونی به یک اتم هلیوم 2 الکترونی تبدیل می شود . و از این رو ذخیره ی هیدروژنی خورشید روزی تمام می شود و پدیده فیوژن با همجوشی دو اتم هلیوم و تبدیل آن به کربن با 4 الکترون ادامه می یابد. گفته می شود که همجوشی هسته ای آنقدر ادامه می یابد تا به عنصر آهن برسیم و در آن زمان خورشید توده ای بسیار فشرده و سیاه بدون نور و گرما و کوچک شده است . در نتیجه خورشید به یک گوی آهنی بسیار سنگین تبدیل می شود و تمام منظومه شمسی را به سمت خود می کشد و جذب می کند.

و اما این کرونومتر برای کره زمین و نیز برای حیات روی کره زمین نیز وجود دارد.

هنگامیکه بشر بیش از حد گازهای گلخانه ای تولید کند منجر به گرم شدن کره ی زمین می شود و پس از آن به دلیل گرمای زیاد کره ی زمین، یخ های قطبی آب می شود و سرتاسر سطح زمین را آب فرا می گیرد و **طوفان نوح** شکل می گیرد. حال کره زمین گرم است و سراسر از آب پوشیده شده است. پس آب ها تبخیر خواهند شد و ابر های سهمگینی سطح زمین را فرا می گیرد و مانع رسیدن نور خورشید به سطح زمین خواهد شد تا زمین را مجددا خنک کند و عصر یخبندان مجدد آغاز می گردد. هرچقدر آسیب بشر به اکوسیستم بیشتر باشد و از آن طرف، بازتاب شعوری منفی بشر به اکوسیستم نیز منفی، این زمان نزدیک تر می گردد.

بشر ← گرم شدن کره ی زمین ← آب شدن یخ های قطبی ← طوفان نوح ← پایان حیات در کره زمین

این ماجرا در مورد کروموزوم Y نیز صادق است . به شکلی که ثابت شده است که در پستانداران، نسبت اسپرمهای دارای کروموزوم Y از 2500 واحد در سالها قبل به 50 واحد رسیده است و دیری نخواهد پایید که میزان اسپرمهای دارای کروموزوم Y به صفر برسد و نسل بشر منقرض گردد. القارعه کرونومتری است که همیشه کنار گوش ماست و شاید بشر می توانست (و یا بتواند) با کارهایی از جمله عدم آسیب به اکوسیستم، و یا بازتاب شعوری مثبت در هستی، برای خود زمان بخرد و مدت زمان بیشتری را در کره زمین دوام بیاورد .

آیا راهی برای جلوگیری از مقطوع النسل شدن بشر وجود دارد؟

یکی از راهها بحث بارداری شعوری است و ولد بی والد

شعور همه جهان هستی در یک سلول نهفته است . اگر بتوان به نحوی به شعور سلول دسترسی پیدا کرد آنگاه می توان شعور مورد نیاز را از آن گرفته برای تولید مثل از آن بهره برد برای مثال در کروموزوم جنسی زن شعور همه ی سلولها موجود است یعنی شعور کروموزوم Y همسرش نیز موجود می باشد اگر بتوان این شعور را از درون یک سلول جنسی بازخوانی کرد آنگاه پدیده ی ولد بی والد رخ می دهد و وجود یک نمونه در تاریخ گواهی بر این مدعاست که امکان چنین امری محال نخواهد بود و امکان پذیر است .

طبقه بندی اطلاعات خود سلول:

1-اطلاعات مربوط به خود سلول:

1- برنامه عملکرد سلول

2- برنامه ریکاوری سلول (Cell recovery program)

3- برنامه عیب یابی سلول

2-اطلاعات مربوط به عضوی که در سلول در آن قرار دارد (برای مثال اطلاعات بافت کبد در سلول موجود است)

3-اطلاعات مربوط به پیکره انسان (اطلاعات وجودی انسان نیز در یک سلول موجود است)

4-اطلاعات مربوط به شاخه انسان (اطلاعات مربوط به سیاه پوست و سفید پوست بودن نیز در یک سلول موجود است.)

5-اطلاعات مربوط به همه شاخه ها (اطلاعات مربوط به انسان، گیاه، حیوان و... در یک سلول موجود است.)

6-اطلاعات مربوط به زندگی اشتراکی گونه ها (اطلاعات مربوط به دوران جنینی حیات نیز در یک سلول موجود است)

7-اطلاعات مربوط به نحوه پیدایش حیات (اطلاعات مربوط به نطفه حیات نیز در یک سلول موجود است.)

به نوعی مفهوم دیگر هفت آسمان، هفت طبقه اطلاعات درون سلول است . و اگر به شکلی به کمک هوشمندی بتوان به این اطلاعات در سلول تخمک مادر دسترسی پیدا کرد، امکان ولد بدون والد نیز وجود خواهد داشت.

در طول تاریخ ، بحث عدالت و عدم رعایت آن و نیز درکنار انواع آلودگیها مانند آلودگی امواج ، آلودگی پولاریتی و آلودگی شعوری و رفتن به فاز منفی بشر و کفر و شرک و فسادهای انجام شده همه منجر به بارتاب شعوری منفی شده و منجر به نزدیک تر شدن زمان پایان حیات می شود.

بازتاب شعوری منفی ← اثر بر روی اکوسیستم ← اثر بر روی کروموزوم ایگرگ ← از بین رفتن کروموزوم اسپرمهای حاوی ایگرگ در طول زمان ← پایان عمر انسان روی کره زمین

## ملزومات نفس

به شش دسته کلی تقسیم بندی می گردند و همانطور که گفته شد مخلوق عام هستند و بخشی از زوج نفس

1- **برنامه های کلی متغیر** : که در "من برنامه ریزی شده" از زندگی های قبل با انسان متولد می شوند. از آن جهت متغیر نامگذاری می شود که بین هر انسان و انسان دیگر، متفاوت است و خود از بخشهای مختلفی تشکیل می شود که در دوره سایمنتولوژی به شکل کامل بحث می گردد. اما اگر بخواهیم نگاهی اجمالی به آنها بیاندازیم، شامل نهاد (غریزه - عملکرد)، بنیاد (ذات، سرشت، اصل)، و ... می باشد. (رجوع به جزوه سایمنتولوژی)

2- **برنامه های کلی ثابت (فطرت)(مادربورد اصلی)** : که بخش ثابت وجودی و مادربورد اصلی در همه انسانها می باشد که خود از دو بخش تشکیل می گردد... ریشه تمام استعدادها، نرم افزارها و ... در فطرت قرار دارد و به آنها استعداد ریشه ای گفته می شود. در دوره سایمنتولوژی به شکلی بسیار کامل در مورد آن صحبت می شود (رجوع به جزوه سایمنتولوژی)

3- **من کمال پذیر** :

**روح +** : پیام هدایت به سوی کمال را میفرستد

**همزاد +** : عوامل اجرایی روح هادی +

همانطور که مشاهده می فرمایید، روح منظور همان روح هادی است و همزاد نام دیگری از من معنوی اینجا باید گفت که روح هادی هم دو بخش است. روح هادی مثبت و منفی. همچنین ما دو من معنوی داریم، من معنوی مثبت و من معنوی منفی.

در دوره های دفاعی و 2 تعریف ناقصی از روح ارائه شد به عنوان هادی ما از هر زندگی به زندگی بعدی، اما در حقیقت تعریف روح مثبت این است که نرم افزاری است که پیام هدایت به سوی کمال را می فرستد. همین احساس گم شدگی که در همین لحظه احساس می شود ناشی از پیام روح مثبت است. اما اگر توجه ما به سمت پیام روح مثبت جلب شود و اشتیاق هدایت ایجاد گردد، آنگاه طبق قانون بازتاب، من معنوی مثبت (همزاد مثبت) ماموریت خود را آغاز می کند و عامل اجرایی روح هادی مثبت می شود و وظیفه دارد که راه مثبت را در جلوی پای ما قرار دهد. اما اگر توجه ما به سمت روح هادی مثبت جلب نشود، آنگاه من معنوی نیز فعالیتی را آغاز نمی کند.

#### 4- من ضد کمال :

**روح منفی** : پیام هدایت به سوی ضد کمال را می فرستد :

**همزاد منفی** : عوامل اجرایی روح هادی-

به همان شکل ، روح منفی پیام هدایت به سمت ضد کمال را می فرستد . مثلاً در برزخ این دنیا، این احساس وابستگی و دلبستگی ناشی از پیام روح منفی است . اگر کسی در همین دنیا به روح منفی توجه کند، همزاد منفی ماموریت می گیرد تا فرد را در مسیر ضد کمال قرار دهد.

رب انسان همواره او را به سوی خود می خواند و "روح هادی مثبت" به عنوان جهت یاب وجود انسان این فراخوانی را جهت یابی می کند و به این صورت، تمایل حرکت به جلو ایجاد می شود. اما این تمایل، در همه ی افراد یکسان نیست و به بیان دیگر، همه به خوبی پیام روح هادی خود را دریافت نمی کنند؛ زیرا نیروی مخالفی را در خود تقویت کرده اند که اثر آن را خنثی می کند (روح منفی)

روح هادی مثبت، مانند یک قطب نما جهت حرکت فرد به سوی کمال را تعیین می کند. یعنی میل بازگشت به سوی مبدأ (رب) به دلیل وجود این روح است. هر یک از ما در هر مرحله از زندگی در جهان دوقطبی تحت تأثیر نیرویی مخالف کمال هستیم که با غلبه بر آن و پذیرفتن هدایت روح هادی به سوی کمال حرکت خواهیم کرد.

در این جهان دارای زمان، مکان و تضاد، وجود این روح آثار خاصی دارد؛ از جمله اینکه در ما احساس گم کردن چیزی را ایجاد می کند و برای هر لذتی تاریخ انقضائی قرار می دهد. به همین دلیل است که با دستیابی به هر خواسته ای به رضایت کامل نمی رسیم و نیاز به یافتن گمکرد ه ای را در وجود خود احساس میکنیم. یعنی با دست یافتن به هر مقصود زمینی، آن را پوچ می یابیم و همچنان برای رسیدن به رضایت، دست به انتخایهای دیگر می زنیم.

به بیان دقیقتر، اگر آنچه به دنبال آن هستیم، از لذتهای زمینی (مادی) باشد و نیاز معنوی پنهان ما در جهت کمال را (که در هر انسانی وجود دارد) پاسخ ندهد، با دستیابی به آن، راضی نمی شویم و یا پس از مدتی احساس سیری میکنیم و در پی مقصود دیگری میرویم. اما بر خلاف لذتهای زمینی که محدود است و هر یک فقط تا مدتی دوام دارد، لذتهای آسمانی به هیچ سرآمدی نمی رسد و نه تنها منجر به لذت نمی شود، بلکه عطش و اشتیاق را می افزاید. روح هادی مثبت با ایجاد این دو احساس متضاد (درباره ی لذتهای مادی و معنوی)، در کما لیبی انسان نقش عمد ه ای ایفا میکند.

5- **من کمی** : مجموعه عقول است که زیر مجموعه کالبد ذهنی می باشند و همچنین هر کدام یک کالبد مجزا

که در جلسه آینده در مورد آنها صحبت می گردد

## ارتباط آشتی با مرگ

در همه آموزه های دینی صحبت‌هایی در مورد درک مرگ گفته شده است و اصلاً سالک در مسیر سلوک خود می‌بایست، در جایی، به درک مفهوم مرگ برسد و آشتی با مرگ صورت گیرد. همانطور که در آموزه های دینی گفته شده است: موتوا قبل ان تموتوا ...

ارتباط آشتی با مرگ، به نوعی تجربه مرگ است، تجربه ای بسیار شیرین که دو فاز دارد، فاز اول جدا شدن از جسم و تجربه رهایی و آزاد شدن که بسیار شیرین است و تجاربی که به دنبال خود دارد (مثل اسکن وابستگی ها در کسری از ثانیه که در همان لحظه اول تمام خاطرات زندگی ممکن است که مرور شود و وابستگی ها از بین آنها بیرون کشیده شود) و تجارب دیدن کانالی (که در حقیقت کانال ورودی برزخ است) و ... و فاز دوم بازگشت به جسم در انتهای تجربه این اتصال، که شاید این قسمت از این تجربه (بازگشت به جسم) بسیار سخت باشد و آنقدر پروسه مرگ زیبا دیده می‌شود که ترس از مرگ کاملاً باید ریخته شود. دانشجویان باید آنقدر این ارتباط را بگیرند تا به شکل کامل این تجربه را داشته باشند و با آشتی با مرگ، بسیاری از تضادها در این زمینه از بین می‌رود.

### ادامه بحث ملزومات نفس

در مورد من کمی اشاره شد که مجموعه ی عقول می باشند که در کالبد ذهنی قرار دارند (عقل زیر مجموعه ای از ذهن است )

(عقل ها دو دسته اند : الف – عقلهای مرتبط با نفس ب – عقلهای مرتبط با مرکب)

الف : عقل های مرتبط با نفس

1- عقل شناختی : گردآوری اطلاعات

عقل شناختی دارای سه سنسور می باشد

الف – سنسور فیزیکی : شامل مدیریت دریافت اطلاعات از حواس پنجگانه می باشد که توسط مغز دریافت و به عقل شناختی در کالبد ذهنی ارسال می شود . یعنی این بخش عقل شناختی بدون هیچ تجزیه و تحلیلی فقط گردآوری اطلاعات می کند..

ب- سنسور ذهنی : شامل اطلاعاتی فراتر از حواس پنجگانه می باشد. برای مثال 50 بار خاموش و روشن شدن لامپ های شهری را با چشم نمی بینیم اما سنسور ذهنی آن را دریافت می کند و همچنین فریم های گم شده در تصاویر و تبلیغات را نیز نمی بینیم اما ذهن آنها را درک کرده برای مثال پیام برگردان کلام (رجوع به جزوه دوره 8) را سنسور فیزیکی درک نمی کند اما ذهن به ادراک پیام های ضد شعور می رسد.

ج – سنسور فراذهنی : کار سنسور فراذهنی در زمینه ی ادراک و اشراق است و در اصل سنسور فراذهنی است که باعث آگاهی، شهود و دریافت می گردد.

2- عقل پردازشی : ( عقل آنالیز یا عقل تحلیلی است ) اطلاعات پس از اینکه در عقل شناختی گردآوری می

شوند، به عقل پردازشی فرستاده می شود خود این عقل شامل سه عقل است

الف – عقل تشخیص :مانند فتوسل ، که فقط قدرت تشخیص را داراست (سلولهای حساس به نور و در درهای فروشگاه ها کارآیی دارد و تشخیص می دهد که کسی جلوی سنسور آن ایستاده یا خیر ولی قدرت قیاس ندارد چنانچه یک سگ یا انسان باشد در باز خواهد شد.و امکان تشخیص برای فتو سل وجود ندارد که مانع چاق است یا لاغر و یا هرگونه قضاوت دیگر .....فقط بر اساس صفر و یک تشخیص ممکن می شود.

ب – عقل قیاسی: برای مثال سگ علاوه بر تشخیص قیاس هم دارد در صورتیکه دو صاحبش صدایش کنند می تواند قیاس کند که به سمت کدامشان برود یا مرغ هنگام خاموش روشن شدن چراغ قیاس می کند می خوابد یا دانه می خورد یا قیاس می کند که چه چیز دانه است و چه چیز دانه نیست سپس می خورد.



ج - عقل ارزیابی این عقل فقط مختص انسان است که می تواند بررسی و ارزیابی کند که کاری را انجام دهد یا نه مثلا با آنکه می داند شب است اما ارزیابی می کند که اگر شبانه مسافرت کند می تواند از صبح فردا بیشتر بهره مند شده کارش جلوتر بیفتد.

### 3- عقل تشریحی

تشریح با تحلیل تفاوت دارد عقل تشریحی ، نرم افزار تشریح و تبیین اطلاعات است تبیین ، یعنی بیان کردن ، آشکار ساختن ، توضیح و تفسیر برای مثال وقتی فردی بین روز و شب با آنکه می بیند شب است تصمیم می گیرد به سفر برود. این ارزیابی اولیه است حال تشریح می کند که سفر شب در هوای خنک تر و در فرصت مناسب تر و ..... انجام می شود و سپس به برنامه ی تفریحی سفر می پردازد.

آن ارزیابی اولیه کار عقل پردازشی بود و این تشریح و تبیین کار عقل تشریحی است همه ی این اتفاقات از آن لحظه که اطلاعات وارد عقل شناختی می شود تا تشریح و تبیین ممکن است در کسری از ثانیه اتفاق بیفتد.

### 4- عقل اکتشافی

به دست آوردن اطلاعاتی که وجود دارد ، اما در دسترس ما نیست برای مثال نیوتن از پایین افتادن سیب به قانون جاذبه رسید و آنرا کشف کرد.

### 5- عقل ابداعی

این عقل توانایی اختراع و ابداع اطلاعاتی است که وجود ندارد برای مثال خلق رادیو ، لامپ ، و ..... در ابتدا در ذهن خلق می شود ، که چه مدارهایی می خواهد ، خازن می خواهد و ..... این عقل ابداعی است اما پیاده کردن و اجرای کار عقل دیگری می خواهد به نام عقل کاربردی که به توضیح آن خواهیم پرداخت.

### 6- عقل چیدمانی (تفکر)

مربوط به چیدمان اطلاعات است ، تفکر ، چیدمان مجموعه ای از اطلاعات در کنار یکدیگر است. تفکر ، همان چیدمان اطلاعات است که در دوره 1 تحت عنوان مدیریت فکر سازی و چیدمان اطلاعات در کالبد ذهنی گفته شد.

### 7- عقل گزینشی (تصمیم گیری)

انتخاب اطلاعات ، تصمیم گیری

عقل گزینشی یعنی ، تصمیم ، برای مثال هنگامی که فردی انتخاب می کند به شهر دیگری برود ، مجموعه ای از اطلاعات هستند که توسط عقل چیدمانی پدید می آیند و نشان می دهد که اگر برود ، چنان می شود و .... و اگر این تصمیم اجرا نشود آنالیز دیگری انجام می گردد ، تشریح و پردازش نیز که صورت گرفت آنگاه فرد باید تصمیم بگیرد.

### 8- عقل انگیزشی

برای بدست آوردن اطلاعات گم شده و ناقص انگیزه ایجاد می کند .

## 9- عقل تجسمی

عقل تجسمی دو حالت دارد

الف - تجسم دیده: در واقع تجسم اطلاعاتی است که قبلا وجود داشته و دوباره باز سازی می شود مانند تجسم یک خاطره

ب- تجسم نادیده ( تجسم اطلاعاتی که قبلا وجود نداشته مانند تجسم موجودی با سه چشم و یا ..... ) که خود شامل دو بخش است :

الف - تجسم هدفمند : مانند رمان ، سناریو و ..... است

ب- تجسم غیر هدفمند : وهم و خیال بی سرو ته و بی هدف

## 10- عقل کاربردی

همان من مجری است که نحوه ی پیاده کردن و اجرا کردن اطلاعات را به عهده دارد . در مثالی که برای رادیو ذکر شد حالا باید بررسی کند چه نوع سیمی با چه نوع مقاومت و چه ..... که اجرای این وظیفه با عقل کاربردی است

## 11- عقل استقرائی :

استقراء یعنی از اطلاعات جزء به اطلاعات کل رسیدن یعنی با دیدن اجزاء پی به وجود کل بردن

## 12- عقل استنتاجی

استنتاج یعنی نتیجه گیری، یعنی از اطلاعات کل به اطلاعات جزء رسیدن

## 13- عقل آرشیوی

حافظه و آرشیو اطلاعات که با آن در دوره ی یک آشنا شدیم که خود دارای دو بخش است

الف : عقل به آرشیو سپردن

ب : عقل از آرشیو خارج کردن

## 14- عقل برآوردی

حدس و پیش بینی اطلاعات برای مثال هواشناسی با استفاده از عکس های ماهواره ای و استفاده از عقل بر آوردی وضع هوا را پیش بینی می کند . (مستحضرید که پیش بینی با پیشگویی فرق می کند).

## 15- عقل تجربی

دسته بندی و نتیجه گیری از اطلاعات تجربی - تجربه آفرینی برای مثال در بررسی اثر فرادرمانی ، ابتدا روی یک نفر امتحان می کند سپس دو نفر دیگر و ..... تا نتیجه ببیند ، این عقل تجربی است که تجربه می کند. علوم تجربی حاصل عقل تجربی است .

## 16- عقل بینشی

چارچوب های اطلاعاتی است که بینش هارا می سازد .

در مباحث دوره سه گفته شد که بینش در ناحیه نیمه خود آگاه قرار دارد .

## 17 - عقل نرم افزاری :

شامل دو عقل است

الف - عقل وجدانی : برنامه ریزی وجدان ، وجدان در من برنامه ریزی شده است

ب - عقل تدافعی : واکنش دفاع روانی . این بخش نیز در نیمه خود آگاه قرار دارد.

در کل همه عقول با من برنامه پذیر نیز در ارتباطند که ما حاصل آنها در ژن ثبت می شود . ژن مسؤل انتقال سوء سابقه و حسن سابقه به نسلهای بعدی است که بسیار مفصل تر راجع به این مباحث در دوره ی سایمنتولوژی صحبت می شود

مجموعه عقولی که تا اینجا در مورد آن صحبت شد، عقل های مرتبط با نفس بودند. اما عقل های دیگری نیز داریم که مرتبط با مرکب هستند.

ب) عقل های مرتبط با مرکب :

- 1- عقل ماشینی: مرکب ما سیستم ماشینی دارد که باید مدیریت شود،
- 2- عقل توزیع انرژی در بدن: نحوه ی توزیع انرژی در مرکب در هر بخشی نیازمند یک مدیریت عقلانی می باشد که عقل توزیع انرژی در بدن این وظیفه را انجام می دهد.
- 3- عقل تولید مثل: بخش دیگری از مرکب برای تولید مثل نیازمند مدیریت عقلانی دیگری می باشد که عقل تولید مثل این وظیفه را بر عهده دارد.
- 4- عقل دفاعی: عقل دفاعی مرکب در واقع مدیریت سیستم دفاعی بدن توسط گلوبول های سفید می باشد.
- 5- عقل واکنشی: برای مثال هنگامی که دست به جسم داغی برخورد می کند فرد به صورت ناگهانی دست خود را عقب می کشد، این واکنش توسط عقل واکنشی رقم می خورد.
- 6- عقل حاکم بر حافظه سلولی: یکی از عقل های مرتبط با مرکب عقل حافظه سلولی است، پیشتر گفته شد که هر سلول دارای حافظه است و همانطور که قبلا گفته شد هفت گنجینه اطلاعات هستی در دل یک سلول نیز موجود میباشد. در واقع یک سلول حاوی شعور کل هستی است.

## عصر برده داری مدرن :

گرچه دوره ی برده داری مدت هاست تمام شده است اما عصر برده داری مدرن بسیار پیچیده تر است و به زودی بشر به سمتی می رود که قدرت هایی از سوی شبکه منفی در دنیا سردمدار خواهند شد و کیفیت را از بین خواهند برد و کمیت را جایگزین آن کرده و همه چیز را کمی خواهند دید.

یکی از اتفاقاتی که در حال رخ دادن است ، تبدیل شدن هر انسان به یک عدد است هم اکنون هر انسان یک کد ملی دارد و منحصر به فرد است و و بزودی کد ملی به کد بین المللی تبدیل خواهد شد و به جایی خواهیم رسید که دیگر نام کسی را نمی پرسند ، شماره وی را می پرسند و با دانستن این کد تمام اطلاعات فرد را بدست می آورند.

اولین اتفاق در عصر برده داری مدرن ، تبدیل شدن هر انسان به یک عدد است.

مسئله دیگری که به این ماجرا دامن میزند، وجود پدیده ی جی پی اس است که حتی درگوشی های موبایل نیز موجود است و مشخص می سازد که هر فرد در هر زمان در چه مکانی قرار دارد. در کنار آن عکس برداری ماهواره ای نیز موجود است . که دیگر کامل نشان می دهد هر انسانی در حال انجام چه کاری است! یعنی دیگر هیچ کس حاشیه ی امنیتی و خصوصی ندارد، و دیگر حریم خصوصی معنا ندارد.

هر کاری که هر فردی انجام می دهد شامل صدا، تصویر و... همه کنترل می شود مانند یک ربات، مانند یک برده. تبدیل شدن به یک عدد قطعا از کنترل شدن بدتر خواهد بود .

این پدیده اجتناب ناپذیر است اما مهم این است که هرگز یادمان نرود که بعد کیفی وجودمان نیز فعال است . اینکه تنها یک ربات نیستیم و اندیشه در مورد اینکه از کجا آمده ایم و به کجا خواهیم رفت و... را فراموش نکنیم

«دهانت را می بویند مبادا گفته باشی دوستت دارم»

یعنی در حال حاضر بشر به سمت ربات شدن و حذف زندگی خصوصی و حریم شخصی پیش می رود و این اجتناب ناپذیر است اما ما هرگز نباید فراموش کنیم که بعد کیفی ما از بعد کمی وجودمان جدا نیست .

## ارتباط آگاهی

این ارتباط با نام ارتباط بی نام دوره 7 نیز شناخته می شود . دوستان می بایست درسهای تئوری دوره 4 را به خوبی فراگرفته باشند تا در این ارتباط، که سیری در چرخه انا لله و انا الیه راجعون است، تجربه عملی درک همان درسهای اتفاق بیافتد. بهتر است به جای توضیح در مورد این حلقه، خود دوستان این سیر در چرخه انا لله و انا الیه راجعون و نیز سیر در هفت گنجینه اطلاعات این چرخه (هفت آسمان) را تجربه کنند .

پایان

گروه آموزش مجازی دوره های عرفان حلقه